

جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۹۷ - ۳ اوت ۲۰۱۸

هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی

سال اول - شماره نوزدهم

نگارخانه

اینکه

در دامی نیفتیم

زیبا است

۱۱

دوربین

**Sense 8**

شکستن دیوار دیگری

در قاب تلویزیون

۲۶

آسپرین

نگاهی علمی به

رنگ‌های متفاوت

یک رنگین کمان

۳۸

**داستان**

**ما و دیگران**





[www.medad.ca](http://www.medad.ca)

مداد، مجله آنلاین مونترال  
هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی  
شماره نوزدهم، جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۹۷

سردبیر: شهرام یزدان‌پناه  
دبیر تحریریه: پوریا ناظمی  
اجتماعی: آزاده مقدم  
ادبیات: علی زندیه‌وکیلی  
هنر: پریسا کولان  
سلامت: مهرنوش اردلان‌یکتا  
دانش، تاریخ: مریم ایرانی  
سیاست، اقتصاد: شهرام یزدان‌پناه

صفحه آرایی، طراحی و گرافیک: آتلیه گرافیک مانا

«مداد» هفته‌نامه دیجیتالی است و چاپ نمی‌شود.  
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.  
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می‌کنند.  
برای اشتراک اینجا کلیک کنید  
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.  
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به ایمیل زیر ارسال کنید:  
[editor@medad.ca](mailto:editor@medad.ca)

«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.  
«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی‌های تجاری ندارد.  
تلفن: 4387388068

آدرس:  
3285Cavendish blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9  
ایمیل:

[info@medad.ca](mailto:info@medad.ca)



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می‌شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می‌سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم.  
برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی‌فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می‌دهیم.

تلفن واحد آگهی‌ها: 5149160083  
ایمیل: [ads@medad.ca](mailto:ads@medad.ca)

## رنگین کمان انسان‌ها

روی سیاره زمین بیش از ۷ میلیارد انسان زندگی می‌کند. از ملت‌ها، مذاهب‌ها، نژادها، رنگ‌ها، جنسیت‌ها و ژن‌های مختلف. به تعداد انسان‌هایی که روی زمین زندگی می‌کنند، اثرانگشت و عقیده مختلف وجود دارد.

عقاید و سنت‌های ما ریشه در هزاران سال تکامل اندیشه‌ای نوع بشر دارد. هزاران سال ارزیابی پدیده‌ها و «خوب‌ها» را از «بدها» جدا کردن!

از یکجایی به بعد، بشر تصمیم گرفت دیگر رنگ، باور، سبک زندگی و ظاهر دیگران را قضاوت نکند.

رفتار جنسی یکی از مواردی بوده که در طول تاریخ، در همه باورهای مذهبی و نزد همه ملت‌ها مورد قضاوت قرار می‌گرفته است. این برداشت از رفتارهای جنسی آنقدر ریشه عمیقی در نگاه ما به زندگی دارد که روبرو شدن با جامعه‌ای که بسیاری (و نه همه) از این سنت‌ها را به فراموشی سپرده و سیاقی جدید در نگاه خود به جنسیت به وجود آورده، می‌تواند به بزرگترین چالش زندگی یک شرقی مهاجرت کرده به غرب تبدیل شود.

از این رو در این روزها که مونترال برای راهپیمایی «غرور» آماده می‌شود، ما هم در «مداد» اختصاصاً به موضوع دگرباش بودن جنسی پرداخته‌ایم. امیدواریم شما هم در این بحث همراه ما شوید. نظراتتان را برای ما به [info@medad.ca](mailto:info@medad.ca) بنویسید.

شهرک زلاله نیا



**ICP Immigration Inc.**

**معصومه علی محمدی  
(بهبانی)**

**عضو رسمی شورای**

**مشاوران مهاجرت به کانادا**



**موبایل : 514-778-9011**

**دفتر کانادا : 514-289-9044**

**فاکس : 514-289-9022**

**دفتر تهران : 021-2289-4567**

**تماس مستقیم از ایران : 021-8531-2878**

**info@icpimmigration.com**

**www.icpimmigration.com**

**1117 Ste.Catherine west, suite 511  
Montreal, Quebec, Canada, H3B 1H9**

**icccrc**  
IMMIGRATION CONSULTANTS OF  
CANADA REGULATORY COUNCIL



**crcic**  
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES  
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

گرافیتی یا نقاشی‌های  
دیواری و خیابانی  
مونترال یکی از  
جاذبه‌های این شهر به  
شمار می‌رود



# مدال فیلدز برای کوچر بیرکار



▲ چپ به راست: کوچر بیرکار، آلیسیو فیگالی، اکشای ونکاتش و پیتر اسکولز برندگان ۲۰۱۸  
Photo Credit: Guardian / مدال فیلدز

هفته گذشته مراسم کنفرانس جهانی ریاضیات در برزیل برگزار شد و در طی آن جایزه معتبر مدال فیلدز به منتخبان اهدا شد.

مدال فیلدز یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جوایز دنیای ریاضیات است که هر چهار سال یک بار به ریاضی‌دانان برجسته زیر چهل سال اهدا می‌شود. چهار سال قبل مریم میرزاخانی، ریاضی‌دان برجسته ایرانی - آمریکایی موفق شد با کسب این جایزه به نخستین زنی در تاریخ علم بدل شود که این جایزه مهم را از آن خود کرده است.

امسال مدال فیلدز به چهار ریاضی‌دان جوان اهدا شد و کوچر بیرکار، ریاضی‌دان ایرانی‌الاصل انگلیسی موفق شد به همراه سه ریاضی‌دان دیگر این مدال را از آن خود کند.

کوچر بیرکار، متولد کردستان است. او در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه تهران در رشته ریاضیات پذیرفته شد. زمانی که مشغول تحصیل در دوره لیسانس خود در دانشگاه تهران بود از سوی این دانشگاه برای شرکت در مسابقات ریاضیات به انگلیس اعزام شد. او در حین این مسابقات درخواست پناهندگی سیاسی از انگلستان کرد و دیگر به ایران بازنگشت.

او تحصیلات خود را در دانشگاه کمبریج ادامه داد. حوزه تخصصی او زیر شاخه‌ای از هندسه جبری به نام «Birational Geometry» است.

## جرم زدایی از مصرف مواد مخدر



▲ دکتر مایلین دروین مدیر سلامت عمومی مونترال / CTV Photo Credit

CTV NEWS: پس از آنکه دفتر سلامت شهر تورنتو فشارهای خود بر دولت فدرال برای جرم زدایی از مواد مخدر را آغاز کرد، حالا مقام‌های سلامت و بهداشت مونترال نیز از این پیشنهاد حمایت کرده‌اند. مدیر سازمان سلامت عمومی مونترال با استقبال از اقدام تورنتو بر این نکته تاکید کرده است که ما باید در مقابله با مواد مخدر، به جای سیاست برخورد مجرمانه به سوی نگاه به این موضوع در قالب مساله سلامت حرکت کنیم.

دکتر Mylene Drouin مدیر دفتر سلامت عمومی مونترال این حرکت را برای حل این مشکل کارساز تر از رویکرد فعلی و نگاه مجرمانه به معتادان مواد مخدر دانسته است.

به گزارش وزارت بهداشت کانادا در سال ۲۰۱۷ چهار هزار کانادایی به دلیل استفاده بیش از حد از مواد مخدر جان خود را از دست داده‌اند. تغییر نگاه به مصرف مواد مخدر و تلاش برای قانونی کردن آن یکی از راهکارهایی است که برخی از کشورها به دنبال آن هستند و معتقدند در نهایت باعث کاهش آسیب‌های سلامتی - اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

با این وجود وزارت بهداشت کانادا اعلام کرده است دولت فعلا تصمیمی برای بازنگری در رویکرد خود نسبت به مواد مخدر و مصرف‌کنندگان آن ندارد.

## کشف آثار باستانی بومیان کانادا در مونترال

CTV NEWS: باستان‌شناسان موفق شدند آثار متعلق به بومیان Iroquois را در مرکز شهر مونترال پیدا کنند که قدمت آنها به قرن ۱۴ میلادی باز می‌گردد.

هزاران قطعه از اشیاء مختلف که عمده آن‌ها را بقایای سفالی تشکیل می‌دهد در جریان حفاری در منطقه میان خیابان‌های پیل و شربروک در شهر مونترال به دست آمده است. این حفاری‌ها از سال ۲۰۱۶ تا کنون ادامه دارد و به گفته رولاند ترمبلی، باستان‌شناس و محقق این پروژه، باید این یافته‌ها را کشف مهم و بزرگ در نظر گرفت.

این نخستین باری نیست که میراث بومیان مونترال در این منطقه کشف می‌شوند. این منطقه یک بار پیش از این و در سال ۱۸۵۹ مورد حفاری قرار گرفته بود.

کریستینا زاخاری دئوم، رهبر پیشین شورای موهاک کاناویک (Mohawk Council of Kahnawake) درباره این کشف می‌گوید این اتفاقی بی‌نظیر است. این کشف به من نشان می‌دهد داستان‌هایی که در کودکی درباره تاریخ مردمان خود شنیده‌ایم و از طریق فرهنگ شفاهی منتقل شده درست بوده و هنوز زنده و سالم هستند.



▲ نمونه‌ای از آثار گلی پیدا شده در محل حفاری مرکز شهر مونترال

Photo Credit: CTV News

## آتش سوزی‌های وسیع در کانادا



▲ تلاش برای مهار آتش جنگل‌های اونتاریو با کمک بالگردهای آتشنشانی

Photo Credit: CTV/Ontario Ministry of Natural Resources and Forestry

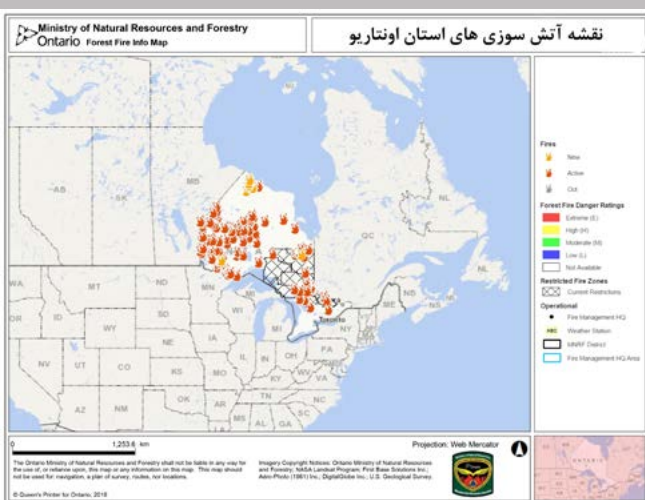
CTV NEWS: گرمای تابستان، صاعقه و بادهای تند، دستور پخت بی نظیری برای آتش سوزی‌های وسیع تابستانی است.

اگرچه این روزها خبر آتش سوزی وسیع در ایالت کالیفرنیا بیش از سایر آتش سوزی‌ها در خبرها تکرار می‌شود؛ اما این آتش سوزی‌ها دامن کانادا را هم گرفته است و به خصوص شمال شرق استان اونتاریو با آتش سوزی‌های وسیعی دست و پنجه نرم می‌کند.

این آتش سوزی‌های وسیع تاکنون باعث تغییر کیفیت هوا، تخلیه منازل مسکونی و بسیج شدن ساختار آتشنشانی برای مهار این آتش‌های پراکنده ولی پرتعداد شده است.

تا چهارشنبه گذشته بیش از ۹۳ آتش سوزی فعال در استان اونتاریو گزارش شده است که ۴۹ مورد آن آتش سوزی‌های وسیع در جنگل‌های اونتاریو هستند ۲۱ مورد از آنها غیر قابل کنترل ارزیابی شده است.

دلیل آغاز بسیاری از این آتش سوزی‌ها اصابت صاعقه بیان شده است. اداره جنگل‌ها و مراتع کانادا و محیط زیست کانادا به طور منظم وضعیت این آتش سوزی‌ها را به روزرسانی می‌کنند. 🇨🇦



◀ نمایی از پراکندگی برخی از بزرگترین آتش سوزی‌های شمال اونتاریو

Photo Credit: Ontario / Ministry of Natural Resources and Forestry

**پریسا کولان** جارچی هنر این هفته به برنامه‌های نمایشی و جشن‌هایی که در ماه دگرباشان و رویداد Fierté Montréal در شهر برگزار می‌شوند می‌پردازد. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت Fierté Montréal مراجعه فرمایید.



## توهم

### Illusion

نمایش رایگان

جمعه ۱۰ اوت، از ساعت ۲۰ تا ۲۳:۳۰

محل اجرا:

Parc des Faubourgs • Scène TD

امسال نمایش Illusion کنسرت‌های رایگانی را در پارک Faubourgs برگزار می‌کند. در این برنامه حدود سی drag queen بر روی صحنه می‌روند و برنامه اجرا می‌کنند. drag queen به افرادی می‌گویند، اکثراً مرد، که لباس‌های زنانه بر تن کرده و در بیشتر موارد پس از آرایش و گریم با هویتی زنانه بر روی صحنه می‌روند، آواز خوانده یا برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ی دیگری اجرا می‌کنند.

▲  
ز  
۲۴

## زنان باهوش

### Femmes de tête

نمایش رایگان

شنبه ۱۱ اوت، از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۳

محل اجرا:

Parc des Faubourgs • Scène TD

این برنامه توسط هنرمندانی که خود را به جنسیت زنانه نسبت می‌دهند اجرا می‌شود تا استعدادهای این زنان مونترالی را به صحنه ببرند. این هنرمندان به تنوع جنسیتی ادای احترام می‌کنند.

۲۴  
ز  
۷



## هنر آسمانی

### L'art en ciel

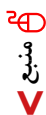
موسیقی رایگان

یکشنبه ۱۲ اوت، از ساعت ۱۳ تا ۱۴

محل اجرا:

### Paroisse Saint-Pierre Apôtre

این برنامه‌ی موسیقی با احترام به بشریت و الهام از ارزش انسان و جایگاه او در هر شکل و انتخاب جنسیتی، در یکی از زیباترین بناهای شهر مونترال برگزار می‌شود. لازم به ذکر است که این برنامه از تاریخ ۹ اوت شروع شده و تا ۱۹ اوت در همین ساعت و در همین مکان تکرار خواهد شد.



## Cabaret Fierté

نمایش رایگان

سه‌شنبه ۱۴ اوت، از ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۳

محل اجرا:

### Place Émilie-Gamelin

این برنامه با همکاری Quartier des spectacles

و Fierté Montréal برای اولین بار برگزار

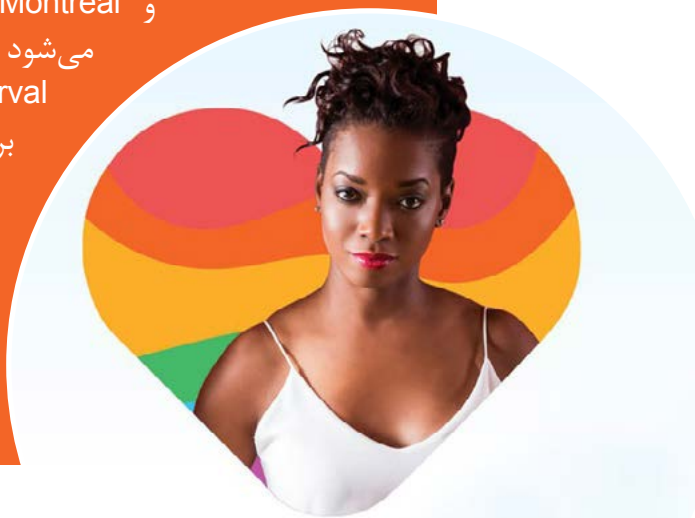
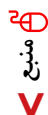
می‌شود و اجرای آن بر عهده‌ی

Sandy Duperval است. این

برنامه‌ی متنوع شامل موسیقی،

رقص و اجرای drag queens

است.





## تعالی

### Excellence

نمایش رایگان  
چهارشنبه ۱۵ اوت، از ساعت ۲۰ تا ۲۱:۳۰  
محل اجرا:

Parc des Faubourgs •  
Scène TD



محور اصلی این برنامه حول  
دگرباشان می‌چرخد و فضایی  
امن برای آن‌ها به‌منظور  
حمایت از تمام جوانب هویتی  
افراد ایجاد می‌کند.



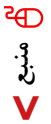
## روز کودکان

### Journée des enfants

رایگان  
پنج‌شنبه ۱۶ اوت، از ساعت ۹ تا ۱۵  
محل اجرا:

### Parc des Faubourgs

بازی، شخصیت‌های عروسکی، گریم صورت کودکان، نمایش کمدی و  
موسیقی داستان خوانی به همراه پاپ کورن، پشمک و هات‌داگ رایگان  
برنامه‌هایی هستند که برای این روز کودکان در  
نظر گرفته شده‌اند. از ساعت ۱۰:۳۰ تا  
۱۱:۲۰ نیز Atchoum نمایش شاد  
خنده‌دار خود را، با عنوان PRÊT,  
PAS PRÊT! برای بچه‌ها اجرا  
می‌کند. لازم به ذکر است  
که ورود بزرگسالان، بدون  
کودک در این جشن  
ممنوع است.





# اینکه در دام چیزی نیفتیم زیبا است، حتی اگر آن چیز همانی باشد که هستیم

**پریسا کولان** سال‌ها پیش، درجایی خواندم که جامعه‌ی هنری در هر جامعه‌ای ۳۰ سال از فرهنگ جامعه‌ی روز خود جلوتر و روشن‌اندیش‌تر است. برای اثبات این پدیده شاید سال‌ها تحقیق و انرژی لازم باشد. با این حال واضح است که هر هنرمندی به میزان حساسیت به جامعه و به زندگی خود همواره قسمتی از هویتش را در آثارش بر جای می‌گذارد. اظهار هویت بی‌پرده و ردپای هنرمند در اثر شاید همان چیزی باشد که او را از سایرین متمایز و پیشرو ساخته و امضای او را به همراه دارد.

مسئله‌ی گرایش‌های جنسی از آن دست مواردی است که هنوز هم، در قرن ۲۱، به آن پرداخته می‌شود و همچنان در خیلی از جوامع دنیا در چارچوب‌های خاصی تعریف‌شده و تابو مانده‌اند. بدون شک جامعه‌ی هنری

نیز، هرچقدر که پیشرو باشد از جامعه‌ی مادر خود جدا نیست و با آن درگیر می‌شود. هنرمندان زیادی به خاطر گرایش‌های جنسی خود، دست از خانواده و زادگاه خود می‌کشند و برای زندگی در محیطی آزاد از کشور خود بیرون می‌آیند.



< Querelle A27,  
Andy Warhol



جوڈیت باتلر Judith Butler، فیلسوف آمریکایی معاصر، در کتاب مشهور خود با عنوان «ابطال جنسیت»، تعریف جنسیت را وابسته به معیارهای جامعه و تعاریف قدیمی از جنسیت می‌داند. او معتقد است که به نرُم درآوردن انسان، بر اساس مقیاس‌های موجود، زندگی را برای افراد زیادی دشوار کرده و آن‌ها را از دایره‌ی امکان وجود و حتی امکان فکر کردن به امکان وجود، به بیرون پرتاب کرده است.

همان‌طور که اشاره شد، دنیای هنر نیز از این قضیه مستثنا نیست. دگرباشان زیادی بوده‌اند که در ادبیات و هنر دنیا نقش مهمی داشته‌اند. از این دست می‌تواند به ویرجینیا وولف، نویسنده‌ی بریتانیایی، فرانسیس بیکن، نقاش ایرلندی، فریدا، نقاش مکزیک، اندی وارهول، هنرمند آمریکایی از پایه‌گذاران «پاپ آرت»، زویه دولان Xavier Dolan، کارگردان مشهور کبکی، فرانسوا اوزون François Ozon، کارگردان مشهور فرانسوی و رضا عبده، کارگردان تئاتر ایرانی تبار و بسیاری دیگر اشاره کرد.

برخی از هنرمندان دگرباش به گرایش‌های جنسی خود اذعان داشته و می‌توان ردپای این گرایش‌ها را در آثار آن‌ها دید. با این حال برخی دیگر این مسئله را در زندگی شخصی خود حبس کرده با حاشیه‌ای دانستن آن، هرگز از وجودش اثری بر جای نگذاشته‌اند. اندی وارهول Andy Warhol از آن دست هنرمندانی است که هم‌جنس‌گرایی خود را به‌وضوح اظهار می‌نموده اما قبل از هر چیز هنرمند است.

او در کتاب Popism خود

که در سال ۱۹۸۰

منتشرشده به نقل

از یکی از همراهان

دگر جنس‌گرای

خود می‌گوید:

«اینکه در دام

چیزی نیفتیم

زیبا است، حتی

اگر آن چیز

همانی باشد که

هستیم.»



Andy Warhol,  
Small Acetate  
(Self-Portrait in Drag),  
1980





# پوسترهای دگرباشان در سینما «دو پارک» مونترال

## تاریخچه:

در سال ۱۹۸۳ Jacques Prince و Ross Higgins تصمیم می‌گیرند که تمام آثاری که برای تاریخچه‌ی زندگی هم‌جنس‌گرایان کبکی سند تاریخی محسوب می‌شوند را در هر رسانه‌ای از نوشته تا متون چاپی، تصویر، صدا و غیره جمع‌آوری، ثبت و نگهداری کنند. به همت این دو نفر امروز آرشیوی از این اسناد وجود دارد که در دسترس همگان است. این مرکز غیرانتفاعی AGQ امروز از مراکز خیریه محسوب می‌شود.

## نمایشگاه:

آرشیو هم‌جنس‌گرایان کبک AGQ، ۶۰۰ پوستر که در تمام دنیا، با مضمون بیماری ایدز چاپ شده‌اند، را در اختیار دارد که از میان آن‌ها ۱۵ اثر را در Cinéma du Parc به نمایش درمی‌آورد. این نمایشگاه رایگان از اول اوت تا آخر این ماه هرروز از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲۰:۳۰ پذیرای بازدیدکنندگان است.





ترجمه رسمی کلیه اسناد و مدارک  
گواهی امضا و کپی برابر اصل  
ترجمه شفاهی در محاکم و ادارات  
تکمیل فرمهای مختلف  
اخذ ویزای توریستی

*Farhang*

دارالترجمه رسمی فرهنگ

## Downtown

1650, Maisonneuve West, #202,  
H3H 2P3 - Montréal, Québec, Canada  
Tel : +1-514 691 4383  
Toll free from Iran: (021)-853 128 32  
Emil: r.davoudi@farhang.ca

## NDG

3285 Cavendish Blvd, #355  
Montreal Quebec, H4B 2L9  
Tel : +1-514 916 0083

## IRAN

تهران، کارگر شمالی، تقاطع بلوار کشاورز،  
نیش کوچه گیتی، پلاک ۱۱۷۲، طبقه ۲، واحد ۲  
Tel : +98- 21 6642 1511 / 6694 8154  
Emil: h.davoudi@farhang.ca

طراحی: آنتلیه گرافیک مانا ۳۷۴۶-۳۴۴-۵۱۴

رژه افتخار

داستان ما

و دیگران



**مانی دامغانی** روزهای آینده شهر مونترال میزبان راهپیمایی دگرباشان و کسانی است که از آن‌ها حمایت می‌کنند.

راهپیمایی که به نام راهپیمایی غرور و افتخار شناخته می‌شود و چهره شهر را برای چند روزی تغییر می‌دهد.

نخست وزیر کانادا در سال‌های گذشته در این راهپیمایی که در شهرهای مختلف و از جمله مونترال برگزار می‌شود شرکت کرده است تا حمایت خود را از اعضای جامعه‌ای که به نام عمومی LGBTQ+ شناخته می‌شوند اعلام کند.


او یکی از نخستین رهبرانی است که چنین آشکارا و وسیع به حمایت از این اقلیت اجتماعی می‌پردازد.

در این شماره مداد، همکاران ما سعی کرده‌اند بخش‌هایی از داستان مرتبط با این جامعه را مرور کنند. از تاریخ جنبش اجتماعی آن‌ها در کانادا گرفته تا اصطلاحات و واژه‌هایی که برای بیان طیف مختلف این رنگین کمان استفاده می‌شود و همچنین روایت‌های شخصی و رویدادهای هنری که در شهر می‌توانید سراغ آن را بگیرید.

در مونترال مجموعه رویدادهای مربوط به این جامعه از هم‌اکنون آغاز شده است و روز ۱۹ اوت به اوج خود می‌رسد. در این روز از ساعت یک بعد از ظهر راهپیمایی بزرگ مونترال با حضور نخست وزیر و مقام‌های شهری و البته انبوهی از شهروندان برگزار می‌شود.

این رویداد فرصت مناسبی برای آشنایی با این اقلیت است. اقلیتی که به دلایل مختلف تاریخی، فرهنگی و اجتماعی همواره با بدفهمی‌ها و تبعیض‌های بسیاری مواجه بوده‌اند.



برنامه کاملی از رویدادهایی که در این چند هفته برگزار می شود را می توانید در وب سایت رسمی این جشنواره  مشاهده کنید. این هفته یکی از بهترین فرصت ها برای آشنایی با گوناگونی انکار شده‌ای در اجتماع است.

برای قرن ها و سال های طولانی کسانی که امروز خود را عضوی از رنگین کمان تنوع جنسیتی و تمایل جنسی می دانند، نه تنها از سوی جامعه انکار می شدند که مورد انواع آزار و اذیت قرار می گرفتند.

آن ها فارغ از بار گناه آلودی که آن ها باید به دوش می کشیدند، از سوی جامعه غیر نرمال، نفرین شده و بیمار ارزیابی می شدند.

داستان های فراوانی از کسانی وجود دارد که علی رغم نقش مهمی که در جامعه بازی کردند به دلیل گرایش های جنسی خود که قاعدتا تنها آن ها و شرکای آن ها را تحت تاثیر قرار می داد، با سخت ترین برخوردها مواجه شدند.

آلن تورینگ ریاضی دان برجسته و پیشگام دنیای رایانه و یکی از بنیانگذاران ایده هوش مصنوعی است او در زمان جنگ جهانی دوم با اختراع دستگاه رمز شکن انیگما به تنهایی نقشی خیره کننده در کوتاه شدن دوره جنگ بازی کرد. زمانی وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان گفته بود که به واسطه اختراع او بود که جان میلیونها نفر حفظ شد. با این وجود زمانی که تورینگ متهم به همجنس گرایی شد او را به اجبار تحت درمان دارویی شدیدی قرار دادند که در نهایت منجر به مرگ او شد.

داستان برخوردهای تند با این جامعه را نباید با نظر مساعدی که این روزها و در چند سال اخیر نسبت به آن ها ایجاد شده است ارزیابی کرد و کل تاریخ آن را به فراموشی سپرد.

در ایالات متحده افرادی که امروز از چهره های سرشناس دفاع از حقوق این افراد به شمار می روند سال ها در مقابله با آن ها موضع داشتند.



هیلاری کلینتون نامزد ریاست جمهوری پیشین آمریکا که دفاع از حقوق همجنسگراها را بخشی از برنامه خود عنوان می کرد در سال های سناتوری به طور رسمی ازدواج را امری میان یک زن و مرد ارزیابی کرده بود و مخالفت خود را با ازدواج همجنسگرایان بیان کرده بود.

داستان سوی دیگری نیز دارد. در برخی از کشورها که نگاه سنتی و منفی نسبت به دگرباشان وجود دارد گاهی اتفاق های غیر منتظره ای رخ می دهد. ایران که هنوز هم همجنس گرایی را جرم می داند، در نخستین روزهای پس از انقلاب به فتوای آقای خمینی، عمل جراحی تغییر جنسیت را نه تنها مجاز شمرد که بیمه این کشور در رده نخستین کشورهایی در جهان در آمد که هزینه های اصلی این جراحی پیچیده را بر عهده می گرفت.

تغییر این دیدگاه اما علاوه بر اراده سیاسی نیازمند تغییر دید فرهنگی است. نمی توان انتظار داشت چنین تغییری یک شبه اتفاق بیفتد و ابزار اصلی که می تواند تغییرات بنیادین در دید و نگاه مردم ایجاد کرده و رد نهایت منجر به تغییر رفتارها و سیاست ها شود آگاهی است و این هفته به این دلیل مهم است که فرصتی برای آگاهی به ما می دهد.

نکته مهم تری که باید به یاد داشت این است که در زیر مساله همجنسگرایی آن چیزی که این روند و این رژه و این فریاد این اقلیت را برای همه ما فارغ از گرایش جنسی یا هویت جنسی ما مهم می کند، مساله به رسمیت شناختن دیگری است.





ما در بسیاری از موارد خود را نه بر مبنای داشته های خود که بر مبنای آن تفاوت‌هایی تعریف می کنیم که با دیگری داریم.

دیگری می تواند کسی باشد که هویت جنسی متفاوتی دارد از گرایش جنسی متمایزی نسبت به ما برخوردار است یا کسی که از فرهنگ دیگری آمده، از طبقه اجتماعی دیگری برخاسته یا از نسل و کشور دیگری است. کسی که شاید از اقلیت نژادی، قومی، مذهبی یا از دیدگاه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دیگری می آید.

به فضای بحث هایی نگاه کنید که در آن افراد در پشت گمنامی پنهان می شود و دیدگاه های خود را آشکار تر به زبان می آورند. ببینید ما چقدر در مواجهه با دیگری متعصب هستیم. سری به توییتر بزنید و ببینید که چه ساده با نخستین نشانه تمایز نظری با خود، افراد را در بسته دیگران قرار می دهیم و دشمن می پنداریم.

این هفته اگرچه در اصل برای آشنایی با تنوعی از موضوعات مربوط به جنسیت است اما در دل خود خبر از ضرورت تغییر نگاه دارد. چگونه می توان به جامعه ای مسالمت آمیز و زیست در کنار تنوع فرهنگی نگاه کرد و همزمان بر مرزهای خود و دیگری پای فشرد؟

پذیرش دیگری به معنی قبول همه نظرات و دیدگاه ها و رفتارها نیست. معنی اش شبیه دیگران شدن نیست. معنی اش آن است که بپذیریم دیگرانی وجود دارند که متمایز از ما هستند. بپذیریم آنچه جامعه به نام هنجار به ما معرفی کرده است برساخته جامعه است و امری ازلی و ابدی نیست که بر دل سنگ جک شده باشد و می توان آن را تغییر داد. می توان درباره همه مسایل دیدگاه و نظری مستحکم و ریشه دار داشت و در عین حال موجودیت دیگران را نیز به رسمیت شمرد.

شاید این مهم ترین معنی نهفته در پرچم رنگین کمانی باشد که اگرچه به نام جامعه LGBTQ+ مهر خورده و شناخته می شود بیانی از همه ما است.

# چرا رژه افتخار؟

درباره تاریخ و ماهیت رژه افتخار متن ها و مطالب زیادی نوشته شده است. متنی که در زیر می خوانید از قول یکی از شخصیت های مجموعه تلویزیونی Sense 8 روایت می شود.

شخصیت نومی دختری تغییر جنسیت داده است که اتفاقا نقش او را نیز هنر پیشه ای تغییر جنسیت داده بازی می کند. او این یادداشت را در آستانه حضورش در رژه افتخار و غرور در سان فرانسیسکو می نویسد. نویسنده اصلی خانواده وچفسکی هستند. همان برادرانی که مجموعه تاثیر گذار ماتریس را ساختند و اکنون هر دو خود تغییر جنسیت داده اند. این متن شاید خلاصه دیدگاه آن هایی باشد که می توانید آن ها را در رژه شهر مونترال نیز ببینید. «من به زندگی ام فکر می کنم و همه خطاهایی که در زندگی ام مرتکب شده ام. خطاهایی که با من باقی مانده اند آن هایی که از انجامشان پشیمانم و آن هایی که به دلیل وحشت دست به انتخاب آن ها زدم. برای مدتی طولانی من می ترسیدم تا خودم باشم چرا که والدینم به من آموخته بودند اگر اینگونه باشم حتما ایرادی در من هست. چیزی توهین آمیز، چیزی که باید از آن دوری کنید شاید حتی چیزی که موجب ترحم باشد. چیزی که هیچ گاه نخواهید توانست آن را دوست بدارید. مادرم یکی از هواداران قدیس سنت توماس آکویناس است. او غرور و افتخار را گناه می داند. سنت توماس ، غرور و افتخار را ملکه گناهان مرگ بار هفتگانه اش بر می شمارد. او این حس را دروازه ای به سوی همه گناهان می داند. با این وجود در فهرست گناهان او خبری از نفرت نیست و نشانی از شرم نمی یابید. من از این رژه غرور و افتخار می ترسیدم چرا که می دانستم چقدر دوست دارم جزویی از آن باشم. پس امروز، من به خاطر آن بخشی از من که زمانی از این راهپیمایی می هراسید و برای همه مردمانی که نمی توانند در آن حضور داشته باشند رژه خواهیم رفت. کسانی که آنگونه زندگی می کنند که زمانی

من زندگی می کردم. امروز من رژه خواهیم رفت تا به یاد بیاورم که من تنها من نیستم بلکه ما هستیم. و ما با غرور و افتخار رژه می رویم.»



FONDATION  
ParsA  
FOUNDATION



سومین گردهمایی سالانه

متخصصان ایرانی

در استان کبک

Le 3<sup>e</sup> Symposium Annuel des Professionnels  
Iraniens au Québec

The 3<sup>rd</sup> Annual Symposium of Iranian  
Professionals in Quebec

September 9th, 2018



Concordia University Conference Centre


John Molson School of Business (JMSB),  
MB 9 CD (9th floor) 1450 Guy St. Montreal,  
QC H3H0A1

Info: [canadasymposium.ca](http://canadasymposium.ca)

+1 514 979 4551

# چیزی که از کانادایی‌های جدید آموختم

مارک لوتن (Mark Lautens) استاد دانشگاه تورنتو  
و یکی از اجرا کنندگان سوگند شهروندی کانادا

Globe And Mail 

**ترجمه: امیرحسین عبدلی ناصر** من به تازگی در یک مراسم ۱۰۰ نفره که از ۴۰ کشور جهان حضور داشتند، شرکت کردم. این مراسم در یک مرکز خرید در شهر میسیساگا برگزار شد. من هر ماه دو یا سه باراز دفتر کارم در مرکز شهر تورنتو به این برنامه می‌روم تا به عنوان مامور اجرایی، در مراسم شهروندی خدمت کنم و به کانادایی‌های جدید خوش‌آمد بگویم. من نه قاضی هستم و نه وکیل، ولی تا به امروز از ۲۵۰۰ نفر سوگند شهروندی گرفتم. من مجبور بودم برای آموزش مراحل سوگند از زبان فرانسوی هم استفاده کنم و از طرفی با تلفظ این زبان مشکلاتی داشتم. به هر حال من این ریسک را پذیرفتم و شدیداً مورد استقبال قرار گرفتم. من متوجه شدم،



منافعی که من در این برنامه به دست می‌آورم به مراتب بیشتر از خدماتی است که ارائه می‌دهم.

اگر به دنبال آن هستید که درک عمیقی از این مراسم و کانادایی شدن داشته باشد، باید در آن شرکت کنید و حرف‌ها و داستان‌های شرکت‌کنندگان را بشنوید.

بعضی‌ها پس از سفر به این کشور، عاشق آن شدند و تصمیم گرفتند اینجا اقامت داشته باشند. بعضی دیگر برای ملحق شدن به خانواده‌هایشان به اینجا آمده‌اند. یک سری دیگر با داشتن تخصص حرفه‌ای وارد بازار کار کانادایی شده‌اند و برخی هم پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه‌های کانادا به کسب و کار در این کشور مشغول شده‌اند. هر کسی در این مراسم داستان منحصر به فرد خودش را دارد.

بعضی با لباس کار می‌آیند، سوگند می‌خورند و یک یا دو عکس می‌گیرند. اغلب افراد به تنهایی در این مراسم شرکت می‌کنند، تعدادی هم همراه دوست یا عضوی از خانواده می‌آیند. برخی دیگر به خاطر اهمیت این برنامه با کت و شلوار و یا لباس سنتی کشورشان در این مراسم حضور پیدا می‌کنند.

مسئولیت اصلی من محیا کردن عناصر ضروری برای ادای سوگند شهرودی است. شهروندان جدید ما در رابطه با تاریخ کشور کانادا و اهداف اصلی بومیان این کشور اطلاعاتی کسب می‌کنند. آن‌ها از گذشته و تاریخ کانادا درسی می‌آموزند که برای ساخت آینده این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. برابری، آزادی مذهبی و پیروی از قانون، شعار کشور کانادا است.



رئیس اجرایی این برنامه نیز از داستان زندگی خود سخن می‌گوید. البته لازم به ذکر است که اکثر قضات که رئیس اجرایی هم هستند، خودشان مهاجر بودند و می‌توانند به طور خاص با افراد حاضر در این مراسم ارتباط برقرار کنند.

داستان من کمی متفاوت است. از آنجایی که من در اطراف شهر همیلتون به دنیا آمده‌ام، یک مهاجر به حساب نمی‌آیم ولی آنچه که در همه ما مشترک است، ساختن این کشور و آینده‌ای بهتر است که از طریق تحصیلات و آموزش به دست می‌آیند.

مادر من در سنین جوانی به همراه خانواده، از انگلیس به کانادا مهاجرت می‌کند. او به مدت ۵۰ سال به عنوان وزیر قانون خدمت رسانی می‌کرد و در سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت. توصیه او به من این بود که؛ وقت و زندگی خود را هدر ندهم. بنابراین من برای ادامه تحصیلات به دانشگاه گولف رفتم و قصد داشتم در رشته دام پزشکی تحصیل کنم. اما پس از آشنایی با گوردون لانگ (Gordon Lange)، یک استاد و معلم فوق‌العاده، فرصت کار در آزمایشگاه تخصصی شیمی برای من فراهم شد. من از این فرصت استفاده کردم و زندگی‌م دچار تغییرات زیادی شد. من ۳۱ سال به عنوان استاد، مشغول فعالیت بودم و حدود ۲۰۰ نفر در آزمایشگاه من کار کردند و در حال حاضر در شرکت‌ها و دانشگاه‌های ده کشور مختلف مشغول به تحقیق و پژوهش هستند.

شرکت‌کنندگان پس از هر مراسم، مقابل پرچم کشورها ایستاده و عکس می‌گیرند تا این رویداد مهم کانادایی شدنشان را ثبت کنند. خیلی‌ها دوست دارند این عکس را در کنار افسر RCMP با یونیفرم کامل بندازند. گاهی افراد برای ادای احترام از من می‌خواهند فرزندشان را در آغوش بگیرم و از من بابت اجرای این مراسم تشکر می‌کنند.

خوشحالی آنان به خاطر شهروند شدن به قدری زیاد است که قابل توصیف نیست. پس از گفتگوهایی که با این افراد صورت می‌گیرد، هدف اصلی آنان برای شهروند شدن، ساختن آینده‌ای روشن برای فرزندانشان عنوان می‌شود. این افراد مراحل زیادی را برای رسیدن به اهداف خود طی کرده‌اند و از فرصتی که در اختیار داشتند نهایت استفاده را برده‌اند.

# روز بدهکاری به زمین

**زینب یوسف زاده** چهارشنبه گذشته یعنی اول اوت روز جهانی بدهکاری به زمین یا Earth Overshoot Day در سال ۲۰۱۸ بود.

برای محاسبه این روز در هر سال، مقدار ظرفیت زیستی تجدیدپذیر سالانه جهان (مقدار منابع تولید شده توسط طبیعت در هر سال) را به رد پای انسانی (مقدار تقاضا برای مصرف انسان از طبیعت در آن سال) تقسیم و حاصل را در عدد ۳۶۵ ضرب می کنند. عدد بدست آمده روزی از سال را نشان می دهد که ما به عنوان تمدن انسانی سهمیه سالانه خود از منابع تجدیدپذیر را استفاده کرده ایم و از آن به بعد تا پایان سال از منابع غیر تجدیدپذیر زمین که از گذشتگان مان ارث رسیده و طی سال ها پس انداز شده، مصرف می کنیم.

Andrew Simmes، نویسنده، تحلیلگر و عضو اتاق فکر بنیاد بریتانیایی New Economics کسی بود که برای اولین بار مفهوم بدهکاری به زمین را مطرح کرد تا مبنایی برای آگاه سازی در مورد محدودیت منابع زمین باشد.

روز بدهکاری به زمین در سال ۱۹۸۷ در روز ۱۹ دسامبر بود، روزی نزدیک به پایان سال. در حالی که امسال بعد از گذشت سی سال این روز با روندی شتابناک بیش از ۴ ماه به عقب رفته است. روز بدهکاری به زمین برای هر کشور نیز به صورت جداگانه قابل محاسبه است و امسال این روز برای کشور کانادا ۱۸ مارس بود. یعنی ساکنان کانادا در کمتر از سه ماه منابع زیستی تجدیدپذیر خود را مصرف کرده اند.

این زنگ هشدار برای ما ساکنان زمین است.

کسانی که با آگاه شدن از روند تخریب سیاره تلاش خواهند کرد تا هر چه می توانند مصرف منابع زیستی نظیر آب، خاک و انرژی را کاهش دهند و از میراث نسل بعد بهتر محافظت کنند.



**EARTH OVERSHOOT DAY:  
AUG. 1, 2018**



بازگشت به چرخه تولید

# باری از دوش زمین برداریم

آخرین راهکار برای کاهش زباله بازیافت است. فرآیندی که در آن ضایعات به موادی تبدیل می‌شوند که قابلیت تولید محصولات جدید را دارند. بازیافت با جلوگیری از هدررفت موادی که هنوز برای تولید مناسب هستند، مصرف مواد اولیه را کاهش می‌دهد و به صرفه‌جویی در حوزه انرژی، کاهش گازهای گلخانه‌ای، کاهش آلودگی هوا، زمین و آب کمک شایانی می‌کند.

با اینکه بازیافت در کارگاه‌های مخصوص و توسط متخصصان صورت می‌گیرد ولی آنچه این فرآیند را عملی می‌کند تفکیک پسماند، و آنچه آن را به صرفه می‌کند، انجام این تفکیک در مبدأ توسط شهروندان است. از آنجا که در هر منطقه براساس زیرساخت‌های موجود، قوانین تفکیک پسماند توسط شهروندان، متفاوت است، توجه کامل به مقررات شهرداری‌ها، اولین قدم در بهینه کردن روند بازیافت است. براساس مقررات شهرداری مونترال زباله‌های شهری به شش دسته قابل تفکیک هستند:

## اقلام بزرگ

اقلام بزرگ دور ریزهای حجیمی مانند وسایل خانه، مخازن آب گرم، مبلمان، مصالح ساختمانی، قطعات چوبی، ضایعات ساختمانی و مواردی از این دست را شامل می‌شوند. توصیه شهرداری مونترال برای این اقلام بررسی امکان مصرف دوباره یا اهدا به کسانی است که به آنها نیاز دارند. از طریق دفاتر Accès Montréal می‌توان اطلاعات تماس انجمن‌های خیریه‌ای را پیدا کرد که این اقلام را از منازل تحویل می‌گیرند.

راه بعدی، انتقال این اقلام به Ecocentre ها است. در نهایت شهروندانی که به هر دلیل امکان مراجعه حضوری به این مکان‌ها را ندارند از طریق info-collects می‌توانند زمان جمع‌آوری این اقلام توسط شهرداری محله خود را بیابند.

## پسماند مواد خوراکی

این پسماندها که به مواد ارگانیک مشهورند، کلیه باقیمانده مواد غذایی از قبیل گوشت، ماهی، تخم مرغ، غذاهای دریایی، میوه و سبزیجات، محصولات لبنی، نان، غلات، ماکارونی و برنج، کیک و شیرینی و اضافات پاک شده از روی میز غذا را شامل می‌شوند. همچنین تفاله و فیلتر قهوه، چای کیسه‌ای، دستمال و حوله‌های کاغذی، کاغذهای چرب بسته بندی مواد غذایی، گیاهان خانگی و خاک آنها در این دسته قرار دارند.

به خانواده‌هایی که می‌خواهند پسماند خوراکی خود را جدا کنند یک سطل کوچک دردار برای استفاده در منزل و یک سطل بزرگ قهوه‌ای رنگ برای جمع‌آوری کلی زباله هفتگی و قراردادن در جلوی خانه تحویل داده می‌شود. برای داخل ظرف‌های جمع‌آوری زباله‌های ارگانیک، پلاستیک‌های تجزیه پذیری طراحی شده است که از فروشگاه‌ها قابل تهیه است. همچنین برای جلوگیری از بوی بد و دفع حشرات که معمولاً اطراف این ظرف‌ها جمع می‌شوند می‌توان از راهکارهایی که شهرداری پیشنهاد می‌کند بهره برد. این زباله‌ها برای تولید سوخت‌های زیست سازگار و کمپوست (خاک غنی شده برای پرورش گیاهان) مورد استفاده قرار می‌گیرند.



PETE

HDPE

V

LDPE



PP

PS

OTHER

## پسماند سبز

شاخ و برگ باقی مانده از امور باغبانی، چمن زنی و تمیز کاری باغچه‌ها جزء پسماند سبز طبقه بندی می‌شوند. این ضایعات در صورتی که در پاکت‌های کاغذی مخصوص (که از فروشگاه‌های سطح شهر قابل خریداریست) قرار داده شوند، طبق برنامه زمان بندی هر محله از مقابل خانه‌ها جمع‌آوری می‌گردند. در کارگاه‌های تولید کمپوست، پسماند سبز در نسبت مساوی با پسماند موادخوراکی ترکیب و تبدیل به خاک فضای سبز و باغبانی می‌شوند.

## پسماند بازیافتی

پسماند بازیافتی شامل کاغذ، مقوا، شیشه، پلاستیک و فلز هستند که به کارخانه‌ها بر میگردند و در تولید محصولات جدیدی از همین نوع به کار می‌روند. در بعضی کشورها این مواد توسط شهروندان به دسته‌های جداگانه تقسیم می‌شوند ولی با توجه به قوانین مونترال نیازی به تفکیک این اقلام نیست و می‌توان همه را در سطل بازیافت یا یک کیسه پلاستیکی در کنار هم قرار داد.

بر روی ظرف‌های پلاستیکی بسته‌بندی مواد غذایی، یک مثلث کوچک شامل یکی از شماره‌های یک تا هفت حک شده است. بنابر قوانین مونترال، پلاستیک‌های شماره شش در این شهر جزء مواد بازیافت‌پذیر به حساب نمی‌آیند و نباید در سطل بازیافت قرار بگیرند.

بسته‌بندی‌های کاغذی‌ای که چربی غذا را به خود جذب کرده‌اند نیز نباید در سطل بازیافت قرار بگیرند، بلکه آن‌ها را باید در سطل مربوط به کمپوست قرار داد.

بسته‌بندی‌های پلاستیکی، فلزی، شیشه‌ای و یا پاکت‌های لمینت (مثلا پاکت شیر) می‌بایست قبل از قرارگیری در سطل بازیافت، شسته یا تمیز شوند تا از بوی بد حاصل از فساد مواد غذایی در آن جلوگیری شود.



Steel / Tin Cans



Aluminum Cans



Glass Bottles



Plastics




Cartons

**No Caps or Lids**


## پسماند سمی یا خطرناک

انواع رنگ‌های ساختمانی، صنعتی و رنگریزی، مواد جلا دهنده، روغنهای صنعتی، انواع باتری‌ها، اسپری‌ها، لامپهای مهتابی و فلورسنت، کپسولهای گاز، مواد شیمیایی استخرها، آفت کشها و کودها و وسایل الکترونیکی نظیر گوشی‌های موبایل در رده پسماند سمی و خطرناک دسته بندی می‌شوند.

نفوذ مواد سمی موجود در این اقلام به زمین، صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست و منابع حیاتی مانند آب شرب وارد می‌کند. بنابراین نباید آنها را با سایر زباله‌ها مخلوط کرد بلکه باید جداگانه بسته بندی و به Ecocentre ها  تحویل شوند.

## سایر زباله‌ها

مابقی زباله‌هایی که بر جا می‌ماند باید در سطل‌های سیاه قرار بگیرند. این زباله‌ها پس از جمع آوری توسط سیستم‌های مدیریت زباله در زمین دفن می‌گردند.

زمانبندی جمع آوری زباله در هر محله و قوانین و اطلاعات دقیق در مورد تفکیک پسماند از سایت شهرداری مونترال  قابل دسترسی است. همچنین شماره تلفن ۳۱۱ به سوالات و درخواست‌های تلفنی شهروندان در این خصوص پاسخ می‌دهد.

وقتی که به عنوان یک شهروند مسئول، پسماندهای خود را تفکیک می‌کنیم میزان زباله‌هایی که وارد زمین می‌شوند را هر روز کم و کمتر می‌کنیم، باری سنگین از روی شانه‌های سیاره‌مان بر می‌داریم و محیط زیستی سالم‌تر به نسل بعد از خود تحویل می‌دهیم.



# Sense 8

## شکستن دیوار دیگری در قاب تلویزیون

پیشنهاد مداد

**پوریا ناظمی** شاید در بین مجموعه‌های تلویزیونی سال‌های اخیر هیچ اثری به اندازه مجموعه Sense 8 ساختار شکن نبوده باشد. واچفسکی‌ها که در جهان به واسطه اثر عمیق و تاریخی خود یعنی فیلم ماتریکس مشهور هستند، سعی کردند تا با استفاده از فرصتی که شبکه توزیع سریال‌های اینترنتی نت فلیکس برای آن‌ها فراهم آورده بود دست به تجربه‌ای ساختار شکنانه بزنند. داستان Sense 8 داستانی پیچیده است و می‌توانید آن را در ژانر علمی-تخیلی قرار دهید. واچفسکی‌ها در این مجموعه که در قالب دو فصل و یک فیلم بلند ساخته شده است، داستان هشت نفر را از هشت نقطه مختلف جهان روایت می‌کنند که دچار ارتباطی درونی و روحی با یکدیگر می‌شوند.





این هشت نفر می‌توانند احساسات و تجربه‌های یکدیگر را درک کنند و در عمل آن را تجربه کنند.

داستان اصلی به دنیای این افراد می‌رود که به نام Sense 8 شناخته می‌شوند. داستان، آن‌ها را گونه‌ای تکامل یافته از هوموساپینس‌ها (انسان‌هایی مانند من و شما) معرفی می‌کند و در روایت اصلی خود سعی می‌کند رازهای آن‌ها را آشکار کند. اما این همه داستان نیست.

تهیه‌کنندگان این مجموعه در انتخاب شخصیت‌های اصلی خود دست به انتخابی متنوع زده‌اند و سعی کرده‌اند افرادی را از فرهنگ‌ها، آیین‌ها، نژادها و گرایش‌ها و هویت‌های جنسی مختلف انتخاب کنند.

داستان مواجهه این افراد با یکدیگر در واقع داستان مخاطب است که شاید به تنهایی با تک‌تک این افراد و فرهنگ‌ها غریبه است اما از دل این مواجهه میان این گروه او نیز با دنیای شگفت‌انگیز و متنوع این افراد آشنا می‌شود. دنیایی که در آن چارچوب‌ها و ساختارهای رایج فرهنگی و اجتماعی فرو می‌ریزد و روایت دلنشینی از دیگران بیان می‌شود.

این مجموعه نه تنها از نظر محتوا مجموعه‌ای بی‌باکانه و ساختارشکن به شمار می‌رود که از نظر هنری و تصویربرداری نیز اثری بی‌نظیر است. سازندگان به جای استفاده از جلوه‌های ویژه

# NETFLIX sense8



به این هشت نقطه جهان سفر کرده‌اند و در محیط واقعی به فیلم برداری پرداخته‌اند.

این مجموعه نه تنها از نظر بصری اثری چشم نواز است که بعد از هر اپیزود به مخاطب فرصتی برای فکر کردن می‌دهد. مخاطب در این روایت با داستانی مواجه می‌شود که در نگاه اول ممکن است او را شوکه کند، ارزش‌ها و باورهای او را زیر سوال ببرد و او را به فکر وا دارد و در نهایت به او کمک می‌کند که مرزهای تعریف شده میان خود و دیگری را کمرنگ کند.

تجربه شخصی سازندگان این مجموعه و بازیگران آن باعث شده است تا در بسیاری از نقاط مهم داستان سریال جنبه شعاری به خود نگیرد.

داستان این مجموعه بر خلاف روند رایج این روزهای تلویزیون و سینما روایتی امیدوارانه دارد. به همین دلیل حتی اگر گاهی خط داستانی آن شلوغ و در هم تنیده به نظر می‌آید اما حس امیدواری درون آن شما را با خود همراه می‌کند.

این مجموعه را می‌توانید از شبکه نت فلیکس ببینید و البته در نظر داشته باشید تماشای آن برای کودکان توصیه نمی‌شود.



# غوغای ستاره های تنیس در مونترال و تورنتو

**هدی حسینی** راجرز کاپ امسال ستاره های زیادی را در دنیای تنیس به کانادا کشانده و مونترال و تورنتو میزبان این مسابقات هستند. دور اول بازی ها دوشنبه ششم آگوست شروع می شود و بازی های یک چهارم نهایی هم از دهم آگوست آغاز خواهد شد. جام قهرمانی را هم دوازدهم این ماه به دست نفر اول می سپارند. مسابقات در تورنتو در «آویوا سنتر» و در مونترال در «استادیوم IGA» برگزار خواهند شد. راجرز کاپ آخرین تورنمنت تنیس قبل از اوپن آمریکا و آخرین تورنمنت فصل بازی های گرند اسلم است. جالبترین نکات این مسابقات را با هم مرور می کنیم.



## بازگشت ماری و جوکوویچ

اندی ماری و نوواک جوکوویچ هر دو به خاطر مصدومیت فصل قبل را زودتر از موعد به پایان بردند. باید دید می‌توانند با درخشش در این رقابت‌ها دوباره مثل قبل نفر اول تنیس جهان بشوند. مصدومیت اتفاقی بود که برای ستاره‌هایی چون استان واورینکا و ستاره تنیس کانادا میلوش رائونیچ هم رخ داد. راجرز فدرر که به خاطر حفظ آمادگی بدنی برای شرکت در سایر رقابت‌های سال، از شرکت در راجرز کاپ انصراف داده و حالا بر خلاف پیش‌بینی‌ها دیگر رقابت میان او و نادال خلاصه نمی‌شود.

## یک برنده غیر منظره

همان قدر که نادال بازیکن جاه طلبی است و ماری و جوکوویچ هم گوشه چشمی به بازگشت به قهرمانی دارند، ۲۰۱۸ می‌تواند سال اوج‌گیری تنیسورهای جوانی چون الکساندر زوروف از آلمان یا دومینیک تیم باشد. هر دو چند قهرمانی را در رقابت‌های اخیر مثل رم، راجرز کاپ مونترال یا سینسیناتی تجربه کرده‌اند و راجرز کاپ به میزبانی کانادا فرصت خوبی برای افزودن به ویتترین افتخارات آن‌هاست.

## دنیس مایه افتخار کانادا!

دنیس شاپووالوف Denis Shapovalov جوان‌ترین تنیسور در میان صد بازیکن برتر حال حاضر جهان است. او به خاطر عملکرد سال قبلش در راجرز کاپ مونترال و تور اوپن آمریکا بسیار تحسین شده و از جوانان نسل بعدی ستاره‌ها محسوب می‌شود. او تنها ۱۸ سال دارد و حضور در این رقابت‌ها آزمون بزرگی برایش به شمار می‌رود.

Denis Shapovalov >  
تنیسور جوان کانادایی



## رائونیچ: آمادگی ذهنی رمز موفقیت ستاره هاست

میلوش رائونیچ تینسور کانادایی کار سختی را در این رقابت ها در پیش دارد و باید با بهترین های دنیای تنیس دست و پنجه نرم کند. فدرر تنها تینسور در جمع ده بازیکن برتر است که در این رقابت ها حضور ندارد. رائونیچ در مورد تفاوت های بازی کردن در مقابل ستاره های قدر تنیس با سایر بازیکنان می گوید: «هر کسی می تواند به توپ ضربه بزند. هر بازیکنی می تواند نقاط قوت و ضعف خودش را داشته باشد؛ اما این نیروی ذهن و روان است که میان بازیکنان تفاوت ایجاد می کند. و این که حضورشان می تواند چه بلایی از لحاظ روانی سر بازیکن حریف بیاورد.»

رائونیچ ماه گذشته به خاطر مصدومیت از دور مسابقات کوئینز کنار گشید اما به موقع خودش را آماده کرد و تا مرحله یک چهارم نهایی ویمبلدون پیش رفت و آنجا مغلوب جان ایسور شد. او حالا آماده و سلامت منتظر رویارویی با بزرگان تنیس است: «اتفاقاتی که برایم افتاده باعث شده تا یاد بگیرم چطور سختی ها را بگذرانم و تمرکز را روی چیزهای دیگر بگذارم. حس آمادگی دارم و بدنم بعد از ویمبلدون کاملا آماده شده. چند روزی تمرینات مستمر داشته‌ام و به کمپ تمریناتی کوتاهی در آستانه راجرز کاپ رفته‌ام.»



افسانه‌های بومیان کانادا

# صاعقه تنها

روایت: مارگرت بمیستر

**پوریا ناظمی** روزی روزگاری پسرک تنهایی زندگی می‌کرد که پدر و مادرش را از دست داده بود. عموی او از پسرک مراقبت می‌کرد اما با او مهربان نبود. او پسرک را وادار می‌کرد که کارهای سختی انجام دهد و غذای کمی به او می‌داد. پسرک خیلی لاغر شده بود و از غم و غصه نحیف و نزار شده بود.

بعد از مدتی رفتار عموی او تغییر کرد و شروع به به فربه کردن پسرک کرد. او وانمود می‌کرد که می‌خواهد پسرک را قوی کند اما در اصل می‌خواست که او را بعد از مدتی بکشد. او به همسرش گفته بود که تا می‌تواند به پسرک گوشت خرس بدهد. او پسرک را وادار می‌کرد تا می‌تواند چربی بخورد. چیززی که مثلا بهترین بخش گوشت خرس بود.

یک روز پسرک نمی‌خواست چربی بخورد اما عمویش به زور چربی را در دهان او فرو کرد و نزدیک بود او را خفه کند. پسرک توانست از دست عموی خود فرار کند و از کلبه بیرون رفت. او با حداکثر سرعتی که می‌توانست شروع به دویدن و فرار کردن کرد و تا شب کیلومترها از خانه دور شده بود.

ناگهان خود را در میانه یک دشت دید. پسرک می‌ترسید که روی علف‌ها دراز بکشد و خوابش ببرد چون ممکن بود سر و کله حیوانات وحشی پیدا شود و او را بخورند. به همین دلیل از درخت کاج بلندی بالا رفت و روی شاخه‌های آن شروع به استراحت کرد.

وقتی که خوابش برد در خواب دید که روحی از عالم بالا به دیدنش آمده و به او می‌گوید: «فرزند عزیز من. من شاهد بوده‌ام که عمویت چقدر با تو بد رفتاری کرده است و اینکه تو چقدر شجاع بودی برای همین من کاری برای تو دارم. با من بیا.»  
 پسرک از خواب بلند شد به دنبال روح به راه افتاد. آن‌ها تا اوج آسمان بالا رفتند و سپس روح به پسرک گفت:

«در شمال اینجا مانیتوس‌های زیادی زندگی می‌کنند. آنها ارواح پلیدی هستند که با هرچه خوبی است دشمن هستند. این‌جا دوازده تیر جادویی است. آنها را به سوی این ارواح پرتاب کن. نخستین تیر او به هیچ‌کس برخورد نکرد و همین‌طور که تیر در هوا پاران بود صاعقه‌ای در آسمان ظاهر شد و نشان داد که تیر کجا رفته است. تیر بعدی هم همین‌طور بود. پسرک این قدر این مار را ادامه داد تا یازده تا از تیرهایش را استفاده کرد. وقتی کار به اینجا رسید ارواح خبیث عصبانی شده بودند. رییس آن‌ها فریاد زد «من باید تو را به خاطر اینکه به خودت جرات دادی و به سوی ما تیر انداخته‌ای تنبیه کنم.»

این موقع بود که پسرک تیر آخرش را به سوی رییس آن ارواح نشانه رفت. وقتی تیر به نزدیک رییس رسید او خود را به شکل یک سنگ درآورد و تیر به آن خورد. اما همان زمان پسرک هم تغییر کرد. او به صاعقه تنها تبدیل شد و هنوز هم در شب‌های پاییز می‌توان او را در آسمان شمالی دید.



Clinique Dentaire  
**Villeray**



کلینیک دندانپزشکی

**ویلری**

**دکتر انوش عندلیبی**

جراح دندانپزشک

**تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷**

61, rue Villeray  
métro De Castelnau  
Montréal, Qc. H2R 1G2

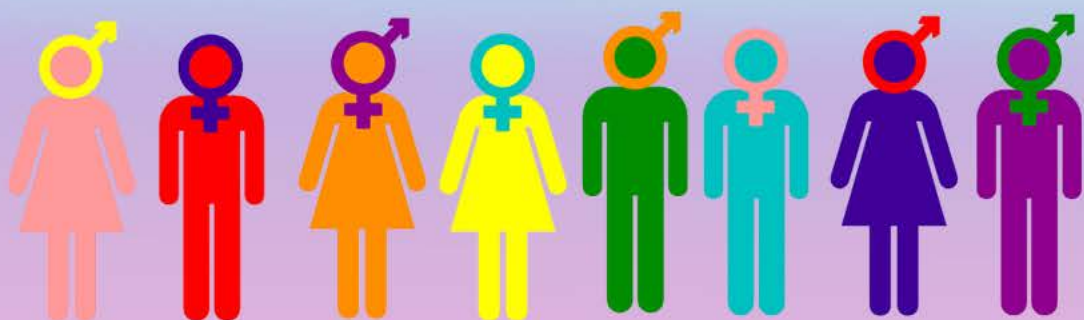
# نگاهی علمی به رنگ‌های متفاوت یک رنگین کمان

**مهرنوش اردلان یکتا** شاید یکی از دلایلی که نگرش بسیاری از ما نسبت به افراد همجنسگرا و به طور کلی دگرباشان جنسی با نوعی احساس غریبگی همراه است، برخاسته از ناآشنایی با واژه‌هایی باشد که این افراد خود را با کمک آن معرفی می‌کنند.

بسیار پیش آمده است که افراد معانی کلمات مورد استفاده حوزه گرایش‌های جنسی و یا هویت جنسی را به درستی نمی‌دانند. دلایل بسیاری در این امر نقش دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بسته بودن جوامع سنتی، چون ایران و به طور کل عدم مواجهه علمی با این موضوعات است.

البته باید به این نکته توجه داشت که حتی در کشورهای توسعه یافته نیز درک تازه از این مفاهیم و همچنین رویکردی روادارانه نسبت به این موضوع، مساله‌ای تازه به شمار می‌رود برای مثال در بسیاری از این کشورها، تا سال ۱۹۸۰ همجنس‌گرایی به عنوان اختلال شناخته می‌شده است.

در این متن سعی شده است تا بدون جهت‌گیری به توضیح و معرفی اصطلاحات مربوط به این حوزه پرداخته شود که در چند سال اخیر رواج زیادی یافته است.



## هویت جنسیتی و گرایش جنسی

برای فهم بهتر نوع تفاوت‌ها، بهتر است در ابتدا با دو واژه هویت جنسیتی (Gender Identity) و گرایش جنسی (Sexual Orientation) آشنا شد. هویت جنسیتی: به احساس درونی فرد از مرد بودن، زن بودن و یا خارج از این دو اشاره دارد. منظور احساسی است که فرد فارغ از نوع جنسیتی که در هنگام تولد برایش ثبت شده است، نسبت به خودش دارد. مثلاً فرد می‌تواند به عنوان دختر ثبت شده باشد و دستگاه تناسلی زنانه داشته باشد اما احساس درونی‌اش نسبت به خودش مردانه است.

گرایش جنسی: واژه‌ای است که به جاذبه رمانتیک، هیجانی و جنسی فرد به افراد از جنسیت خاص اشاره دارد و به این گروه‌ها تقسیم‌بندی می‌شود:

- دگرجنس‌گرایی Heterosexual (تمایل به جنس مخالف)؛
- همجنس‌گرایی Homosexual (تمایل به جنس موافق)؛
- دوجنس‌گرایی Bisexual (تمایل به هر دو جنس)؛
- بی‌جنس‌گرایی Asexual (عدم وجود تمایل جنسی).

زمانی که همجنس‌گرایی بین دو زن باشد به آنها «لژیبن» و اگر بین دو مرد باشد به آنها «گی» می‌گویند.

در حال حاضر محققان علت تفاوت در گرایش جنسی در افراد مختلف را به عوامل متعددی از جمله عوامل ژنتیکی، محیطی (بیشتر محیط داخل رحمی)، هیجانی، هورمونی و فاکتورهای

بیولوژیکی دیگر نسبت می‌دهند و معتقد

هستند که هر کدام از این عوامل به

نوعی در تعیین گرایش جنسی

فرد نقش ایفا می‌کند. در بعضی

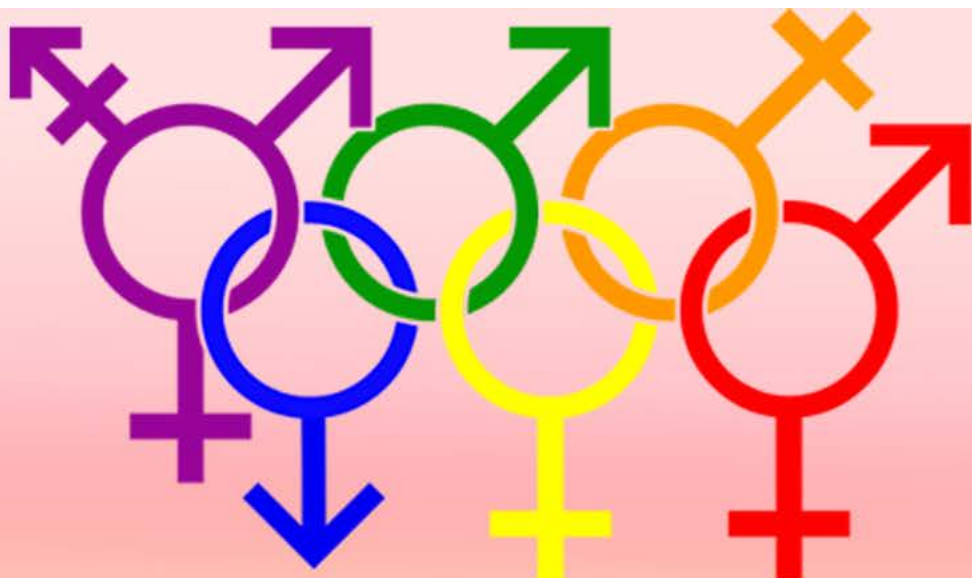
مواقع فرد به دو جنس تمایل

دارد ولی خودش انتخاب

می‌کند که تنها با یک

فرد رابطه داشته باشد.





### چتری برای همه رنگ‌ها

واژه LGBT یا دگرباش که از سال ۱۹۹۶ به صورت LGBTQ به کار برده می‌شود یک اصطلاح کلی است که از سرواژه‌های Lesbian, Gay, Bisexual, Transgender, Queer تشکیل شده است. علت به وجود آمدن این واژه به این دلیل بوده است که استفاده از واژه «گی» به تنهایی نمی‌توانست تمامی افراد با گرایش‌ها و هویت‌های جنسی متفاوت را شامل شود و افراد تراجنسیتی یا کوئیر در این گروه قرار نمی‌گرفتند. تراجنسیتی یک واژه کلی است که برای توصیف افرادی به کار می‌رود که رفتار آنها یا هویت و بیان جنسیتی‌شان با چیزی که به طور معمول برای آن جنس انتظار می‌رود مطابق نیست. انواع بیشتر شناخته شده تراجنسیتی شامل تراجنسی (Transsexual)، مبدل‌پوشی (Cross-dress) و خارج از جنسیت (Genderqueer) هستند.

افراد تراجنس که Gender Dysphoria هم نامیده می‌شوند افرادی هستند که به شدت احساس می‌کنند که هویت جنسی آنها با جنسیت بیولوژیکی‌شان سازگار نیست. مانند افرادی که از نظر ظاهر مرد هستند ولی خود را زن احساس می‌کنند و به دنبال روش‌های درمانی برای تغییر جنسیت هستند. این افراد به دلیل عدم پذیرش جامعه یا خانواده معمولاً افرادی مضطرب و افسرده هستند.

در مبدل‌پوشی، فرد پوشش و لباسی را استفاده می‌کند که به طور معمول و کلیشه‌ای در فرهنگ آن جامعه، توسط جنس مخالف آن پوشیده می‌شود. این رفتار را نباید با تراجنسی اشتباه گرفت زیرا این افراد اصلاً به دنبال تغییر جنسیت نیستند و از جنسیت خود راضی هستند.





**مهرنوش اردلان بکتا** سال‌ها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخ‌ها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید. سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

[info@medad.ca](mailto:info@medad.ca)

با سلام خانمی ۳۵ ساله هستم که به دلیل زایمان ۶ ماه پیش دچار اضافه وزن شده‌ام و از آن جایی که مشکل درد زانو دارم هر ورزشی را نمی‌توانم انجام دهم. به نظر شما استفاده از دستگاه تردمیل و الپتیکال به مفصل زانو فشار وارد می‌کند و کدام بهتر است؟

با سلام به شما دوست عزیز. برای کاهش وزن یکی از بهترین روش‌ها استفاده از ورزش‌های هوازی همراه با تغذیه سالم است. تردمیل و الپتیکال هر دو از تمرینات ورزشی هوازی هستند. استفاده از الپتیکال به شرطی که به درستی مورد استفاده قرار گیرد، بسیار کمتر از دویدن بر روی تردمیل به زانو فشار وارد می‌کند. چنانچه بر روی تردمیل فقط راه بروید فشار کمتری به زانو می‌آید ولی کالری کمتری سوزانده می‌شود.

با توجه به این که نوع مشکل مفصل زانویتان را ذکر نکرده بودید توصیه من به شما مراجعه به پزشک و مشورت نسبت به شروع ورزش مناسب است.

شما هم اگر سوالی در زمینه مسایل پزشکی و سلامت عمومی دارید می‌توانید با ما تماس بگیرید تا در این بخش به سوال شما پاسخ داده شود



# vorud.com

## بزرگترین مرکز خدمات اسکان و استقبال در کانادا



- 1- اخذ ویزای 5 ساله کانادا
- 2- استقبال در فرودگاه های تورنتو ، ونکوور و مونترال
- 3- اجاره آپارتمان های مبله در تورنتو ، ونکوور و مونترال
- 4- انجام تمام نیاز های روز های اول مهاجرت به کانادا
- 5- تور مراکز خرید و معرفی مکان های مورد نیاز روزمره
- 6- افتتاح حساب بانکی و دریافت کردیت کارت به نام متقاضی
- 7- اخذ بیمه درمانی و انجام امور مالیاتی
- 8- ثبت نام مهد کودک ، مدرسه دولتی و خصوصی
- 9- انجام کلیه خدمات بیمارستانی برای مادران باردار
- 10- انجام کلیه امور مربوط به ثبت شرکت ، برند و اخذ نمایندگی
- 11- خرید و اجاره اتومبیل و دریافت گواهینامه

دفتر تهران: 021 22 42 51 47

021 22 42 97 22

دفتر مونترال: 438 807 7705

دفتر تورنتو: 647 491 0098

دفتر ونکوور: 604 259 4340

# جنس سوم

**آزاده مقدم** ۲۱ سالم بود، توی یک کافه نشسته بودم که متوجه لحن و رفتار ناآشنای مشتری‌های میز کناری شدم. دوستم آرام گفت همجنسگرا هستند. انگار همان لحظه بود که از وجود این دنیا باخبر شدم. حس می‌کردم انسان‌هایی از کره دیگری دور میز کناری من گرد هم آمدند تا درباره سیاره عجیبشان با هم حرف بزنند. کنجکاو و رعایت ادب در درونم در مناقشه و مبارزه بودند. می‌خواستم از این دنیای ناشناخته خبری بگیرم.

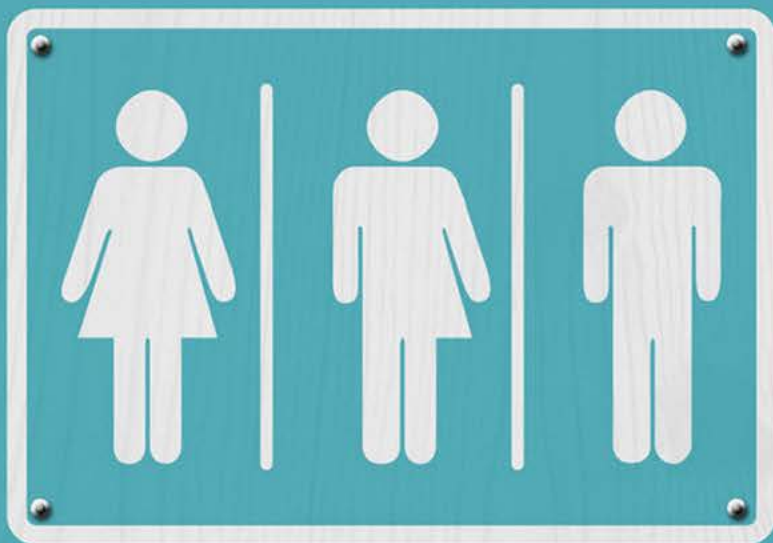
۲۷ سالم بود، رفتم بمبئی برای گذراندن یک مجموعه دوره‌های آموزشی. مدیر مرکزی که در آن بودم همجنسگرا بود، این را مدتی بعد از شروع کلاس‌هایم فهمیدم. وقتی که دیگر کاملاً باورش کرده بودم و دوستم شده بود.

قبل از مهاجرت‌م خواهر کوچکم پرسید، اگر بفهمی بچه‌ها به همجنس‌گرایش دارد چه کار میکنی؟ خندیدم و گفتم چرا به این قضیه فکر کردی؟ گفت نمیدانم، اما مطمئنم در چنین شرایطی نمی‌توانم چیزی به بچه‌ام بگویم اما هرشب در خلوت خودم گریه می‌کنم!

۳۰ ساله بودم که مهاجرت کردم، جلو ویتترین یک مغازه از صدای بوسه دو مرد جا خوردم، تجربه عجیبی بود. پس از آن بارها به آن موقعیت فکر کردم، به رهایی ابرازش جلوی یک ویتترین مغازه در محله‌ای قدیمی در مونترال.

پس از ۳۰ سالگی شروع کردم از دنیای متنوع و پیچیده تمایلات جنسی و تفاوت بدن انسان‌ها در تعیین جنسیتشان خواندن و دانستن و تنها یک سال است که میدانم جنس سوم و بیناجنسی چیست.

در این سال‌ها بارها گلایه پدر و مادرهای ایرانی را از سیستم آموزشی کانادا و اعتراضشان به اینکه گمان می‌کنند اینجا در مدارس بچه‌ها تشویق به همجنسگرایی می‌شوند را شنیده‌ام. پسر همینجا بدنیا آمده و قرار است همینجا به مدرسه برود. گمان نمی‌کنم کسی با تشویق بتواند گرایش واقعی جنسی‌اش را تغییر دهد. اما می‌دانم که او خیلی چیزها از انسان بودن و تنوعش خواهد دانست، خیلی بیشتر از من ۲۱ ساله در یک کافه، میانه شهری بزرگ.



## به مناسبت سالگرد رژه همجنس‌گرایان



# راه طولانی رسوایی تا افتخار

**مریم ایرانی** سال ۱۶۴۸ میلادی، عده زیادی از مردم شهر ویلماری (مونترالی که امروز می‌شناسیم)، نفس‌های خود را در سینه حبس کرده‌بودند و شاهد قرائت حکم بسیار مهمی از طرف یکی از مهمترین کشیش‌های محلی شهرشان بودند. حکم کشیش برای مردی به نام «رنه-هوگو» René Huguet dit Tambour بود که تا همین چند روز قبل یک طبال ساده ارتش کوچک ویلماری در قلمروهای جدید فرانسوی‌ها بود. اما یک سهل‌انگاری از طرف او باعث شده‌بود که راز بزرگ زندگی او فاش شود. «رنه-هوگو» یک همجنس‌گرا بود.

او را در حال رابطه با یکی از بومیان منطقه دیده‌بودند. گناه نابخشودنی که هیچ توجیهی در قوانین سخت و مذهبی فرانسوی‌ها نداشت. او به اعدام محکوم شده‌بود و باید در مقابل دیدگان مردم شهر به دار آویخته می‌شد. اما برخی از مسیحیان معتقد شهر کبک‌سیتی به داد او رسیدند و گفتند که این مرد فرصت دارد که با قبول شرایطی این گناه نابخشودنی را جبران کند. دلیل این تخفیف در مجازات هم این بود که این مرد با یک بومی بخت برگشته که شامل حال قوانین دین مسیح نمی‌شد رابطه داشت و چون به مسیحی دیگری نزدیک نشده بود، توانست از مرگ بگریزد. شرط دادگاه هم این بود که «رنه-هوگو» اولین جلاد رسمی شهر ویلماری باشد. طبق عقیده بیشتر مورخان فرانسوی، این اولین مورد از مطرح شدن همجنس‌گرایی در تاریخ کانادا است که در بسیاری از مستندات تاریخی ثبت شده‌است.

## آغاز مسیر همجنس‌گرایی در کانادا

بعد از داستان و حکم عجیب «رنه-هوگو»، باز هم فرانسوی‌های ساکن استان کبک بودند که عنوان نخستین‌ها در تاریخ همجنس‌گرایی در کانادا را به دوش می‌کشند. سال ۱۶۹۱ یعنی حدود ۴۰ سال بعد، سه نفر دیگر در ارتش شهر کبک‌سیتی به اتهام همجنس‌گرایی محکوم شدند. یکی از آن‌ها فرمانده ارتش بزرگ سنت-میشل بود. او که با قوانین آشنایی داشت با زیرکی تا مدتی توانست با تطمیع مقامات محلی از این اتهام خود را تبرئه کند. اما وقتی پرونده به دادگاه بزرگ کبک‌سیتی انتقال پیدا کرد، هر سه نفر گناهکار شناخته شدند. دو نفری که زیر دست فرمانده به این کار تن داده بودند به خدمت طولانی‌تر در ارتش و فرمانده هم به پرداخت ۲۰۰ لیور، پول رایج آن زمان (livres) و تبعید به یکی از مناطق دورافتاده فرانسه محکوم شد.

در اوایل سال‌های ۱۷۰۰، تغییر جنسیت ظاهری باعث محکومیت یک دختر یهودی جوان شد. او برای اینکه از فرانسه بتواند به سرزمین‌های جدید یعنی کبک بیاید، با گریم و پوشیدن لباس‌های مردانه خود را یک ملوان جا زد و خود را به کبک‌سیتی رساند. اما هویت واقعی او یک روز آشکار شد و به دلیل اینکه خود را مرد جا زده و جنسیت خود را حتی ظاهری هم تغییر داده بود محکوم شد و به فرانسه بازگردانده شد. در سال ۱۸۳۸، یکی از اعضای بلندپایه در شورای قانون‌گذاری استان اونتاریو به جرم رابطه همجنس‌گرایانه مجبور به استعفا شد. اما به طور کلی هیچ یک از کسانی که به اتهام همجنس‌گرایی در کانادا تا پیش از سال‌های آغازین قرن بیستم گناهکار شناخته و به مرگ محکوم شدند، اعدام نشدند و با پرداخت جریمه و یا تبعید از مجازات گریختند.



## آغاز فعالیت‌های طرفداران همجنس‌گرایی

در سال ۱۹۱۸، دو نویسنده مونترالی به نام‌های Roswe و Elsa Gidlow یک مجله زیرزمینی مینی‌مال به نام مگس‌های فوق‌العاده، *Les Mouches Fantastiques*، منتشر می‌کردند که نخستین انتشارات LGBT (همجنس‌گرایانه) شناخته شده در تاریخ کانادا و آمریکای شمالی است. سال ۱۹۴۳ یعنی حدود ۳۰ سال بعد، در مجله ادبی مونترال، یک سرمقاله جنجالی به نام «برخی تجربه‌های جنسی غیرطبیعی» از پاتریک اندرسون Patrick Anderson که یک شاعر بود، به چاپ رسید. اندرسون اگرچه در افواه عمومی به همجنس‌گرا مشهور بود ولی برای اینکه در جامعه آن روز اعتبارش را از دست ندهد تحت فشار افکار عمومی با یک زن ازدواج کرد و مقاله ای هم در رد مقاله اولش که در مجله چاپ کرده بود نوشت.

در سال ۱۹۴۷ جنجال دیگری در تورنتو بر سر پوشیدن لباس‌های زنانه توسط یک مرد که کارمند نیمه‌وقتی بود به وجود آمد. او به چهارماه زندان محکوم شد ولی بعدها داستان زندگی‌اش دستمایه بسیاری از نویسندگان و بازیگران تئاتر کانادایی شد. اما شاید جالب باشد بدانید که اولین کسی که در سال ۱۹۴۹ به طور رسمی و از طریق قوانین و مسایل حقوقی به کانادا اعتراض کرد که باید حقوق همجنس‌گرایان را به رسمیت بشناسد، یک بومی کانادایی به نام جیم گان، Jim Egan بود. او در تورنتو به نوشتن نامه‌هایی به روزنامه‌ها و مجلات برای اعتراض به تصویر منفی که از همجنس‌گرایی ساخته شده بود، می‌پرداخت و خواستار اصلاح قوانین مربوط به همجنس‌گرایان کانادایی شد. او تا سال ۱۹۶۴ به این کار ادامه داد اما وقتی دید راه به جایی نمی‌برد به همراه شریک جنسی‌اش به بریتیش کلمبیا رفت.

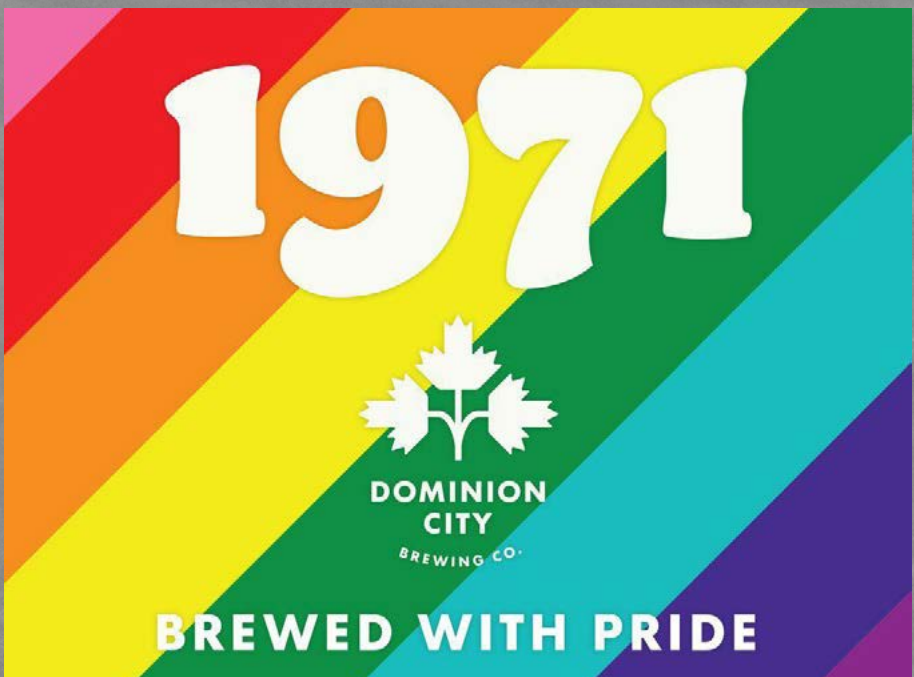


## بالاخره دولت کانادا تسلیم می‌شود

سال‌های دهه ۱۹۶۰، برای همجنس‌گرایان کانادا سال‌های ملتهبی بود. در اوایل این دهه، دولت کانادا در اتاوا، بر روی مرزهای اونتاریو با آمریکا به شدت نظارت و عبور و مرور همجنس‌گرایان از مرزها را کنترل می‌کرد. در سال ۱۹۶۲، یکی از مطرح‌ترین خواننده‌های سبک بلوز در تورنتو به نام Jackie Shane که یک همجنس‌گرا بود، برای اولین بار در یکی از ترانه‌هایش به نام «هیچ راه دیگری» Any Other Way به طور مستقیم از کلمه «gay» استفاده کرد که بسیار ساختارشکنانه محسوب می‌شد.

در حوالی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵، اداره اطلاعات و امنیت کانادا در یک طرح ضربتی فوق‌العاده تمامی همجنس‌گرایان که در سیستم‌های دولتی مشغول به کار بودند را شناسایی و حذف کرد. همچنین یک نقشه بزرگ با خطوط قرمز تهیه کرده بود تا محل زندگی و تجمع همجنس‌گرایان در مناطق مختلف اتاوا را داشته باشد.

اما با وجود این سخت‌گیری‌ها در سال ۱۹۶۴، اولین بنیاد حمایت از همجنس‌گرایان کانادا به نام ASK ایجاد شد که یک مجله هم چاپ می‌کرد. این بنیاد در ونکوور تشکیل شده و به زودی انتشارات دیگری هم در تورنتو به راه افتاد که برای همجنس‌گرایان می‌نوشت. نام این انتشارات Gay بود. برای نخستین بار از این کلمه به طور مستقیم در چاپ و نشر در کانادا استفاده شد. موج این تغییرات جدید به سرعت در سراسر کانادا شیوع پیدا کرد. در سال ۱۹۶۵، یک سینماگر کانادایی با فیلمی به نام «زمستان ما را گرم نگه می‌دارد» با موضوع همجنس‌گرایی در جشنواره کن شرکت کرد. این اولین فیلم مستقل همجنس‌گرای سینمای کانادا بود که توسط دیوید اسکتر ساخته شد. همان سال شاعری به نام ادوارد A. Lacey اولین کتاب شعر همجنس‌گرایان را منتشر کرد.



دولت کانادا اما هنوز تسلیم نشده بود و به شدت با حرکات همجنس‌گرایانه مبارزه می‌کرد. شاید جورج کلپرت، آخرین شخصی در کانادا باشد که برای همجنس‌گرایی زندانی شده است. او از طرف پلیس به اتهام چهارساعت رابطه جنسی با مردان دستگیر و محکوم شد.

با این حال دیگر کنترل اوضاع از دست دولتمردان خارج شده بود. سال ۱۹۶۹ میلادی که فرا رسید، همجنس‌گرایان کانادا بالاخره پیروزی خود را جشن گرفتند. روز ۱۴ ماه مه سال ۱۹۶۹، به طور رسمی دولت کانادا با قانون آزاد شدن همجنس‌گرایی در بین بزرگسالان بالای ۲۱ سال موافقت کرد. این قانون در ۲۷ ژوئیه همان سال به تصویب ملکه انگلستان هم رسید. در اکتبر، اولین گردهمایی بزرگ همجنس‌گرایان در دانشگاه تورنتو برگزار شد.

### همجنس‌گرایان برای نخستین بار در انظار عمومی راهپیمایی می‌کنند.

روز ۲۸ آگوست سال ۱۹۷۱، هزارن مرد و زن همجنس‌گرا به طور همزمان در اتاوا روبروی ساختمان پارلمان و نکوور زیر بارش شدید باران یک راهپیمایی تاریخی کردند. آن‌ها خواستار بهبود و اصلاح قوانین مربوط به همجنس‌گرایی و حذف تبعض‌ها علیه خودشان بودند. اسم این راهپیمایی «ما درخواست داریم» We Demand بود. هر چند با دخالت پلیس و ترس برخی از شرکت‌کنندگان راهپیمایی بعد از ۴۰ دقیقه تمام شد ولی صدای مخالفت این افراد به پارلمان کانادا رسید. آن‌ها معتقد بودند که قوانین فدرال درباره ازدواج و شرکای جنسی همجنس‌گرایان اصلاً وجود ندارد.

دو سال بعد یعنی در ماه اوت سال ۱۹۷۳ برای نخستین بار در شهرهای مهم کانادا از جمله مونترال، تورنتو و ونکوور رژه همجنس‌گرایان به نام «افتخار» Pride برگزار شد. دلیل این نامگذاری هم این بود که دیگر این مساله را نباید یک نقص می‌دیدند و به آن افتخار هم می‌کردند. همان سال اختلال همجنس‌گرایی از فهرست بیماری‌های روانی توسط انجمن روانشناسان آمریکا حذف شد.



اولین ایالت کانادا که به طور رسمی قوانین مربوط به همجنس‌گرایان را در دنیا بعد از کشور دانمارک رسماً پذیرفت، کبک بود. در سال ۱۹۷۷، مجلس کبک این قانون را تصویب کرد و در قوانین مهاجرت هم مخالفت با مهاجران همجنس‌گرا را حذف نمود. در سال ۱۹۷۹ مونترال و نکور نخستین شهرهای کانادا شدند که به طور رسمی رژه افتخار را به رسمیت شناخته و اجرا کردند.

### ازدواج رسمی همجنس‌گرایان در کانادا آزاد می‌شود

در ۱۱ آوریل سال ۲۰۰۰، مجلس فدرال کانادا با ۱۷۴ رای موافق در برابر ۷۲ رای مخالف، به زوج‌های همجنس‌گرا حقوقی مشابه زوج‌های عادی مانند مالیات و بیمه عمر اعطا نمود. استان کبک سومین استانی بود که در سال ۲۰۰۴ بعد از اونتاریو و بریتیش کلمبیا ازدواج همجنس‌گرایان را تصویب کرد. سرانجام در سال ۲۰۰۵ دولت فدرال کانادا قانون C-38 را به قوانین کانادا اضافه و طبق آن ازدواج رسمی همجنس‌گرایان را تصویب کرد و چهارمین کشوری شد که در دنیا این ازدواج را قانونی اعلام کرد. در سال ۲۰۱۶ پرچم همجنس‌گرایان به طور رسمی از پارلمان کانادا در اتاوا آویخته شد و طی قانونی ممنوعیت اهدای خون برای همجنس‌گرایان که تا ۵ سال بعد از آخرین رابطه جنسی بود به یکسال کاهش یافت ولی کامل حذف نشد. سال ۲۰۱۸ عده زیادی در حال فعالیت برای آزاد شدن اهدای خون توسط همجنس‌گرایان هستند اما هنوز موفق نشدند. پرچم همجنس‌گرایان که شبیه به رنگین کمان است از ابتکارات یک همجنس‌گرای آمریکایی بود که به نشانه طیف‌های مختلف جامعه همجنس‌گرایان و نیز به نشانه صلح به این شکل طراحی شد. امروز دیگر در کانادا همجنس‌گرایی جرم نیست و اگر زمانی طرفداران این کار در نزد مردم رسوا و نامحترم شناخته می‌شدند امروز خود را با افتخار در میان جامعه فریاد می‌زنند و قانون نیز از آن‌ها حمایت می‌کند. با اینهمه هنوز عده زیادی در کانادا هستند که با این مساله کنار نیامده‌اند و شاید به همین دلیل رژه افتخار هر سال جدی‌تر از سال قبل برگزار می‌شود.





دریچه مهاجرت  
دریچه ای روبه مهاجرت



مشاور رسمی مهاجرت کانادا  
(RCIC)

<https://t.me/immigrationdoor>

iccrc  
IMMIGRATION CONSULTANTS OF  
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic  
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES  
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

سهیل احمدی

+1 (514) 748-0949

تماس مستقیم و رایگان از ایران با دفتر کانادا

+98 21 86081897

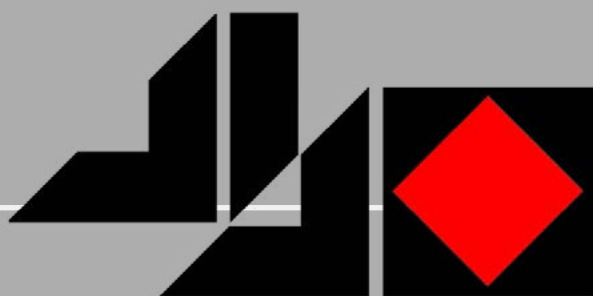
+98 21 88207093

کبک، مونترال، خیابان سن کترین غربی، پلاک ۴۰۵۵

واحد ۱۶۵ - کد پستی H3Z 3J8

ارزیابی رایگان در وبسایت

[www.ImmigrationDoor.com](http://www.ImmigrationDoor.com)



دانشگاه تهران

اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید  
اشتراک آن را  
به دوستان خود پیشنهاد دهید  
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک